

Legal and Juridical Study on Controlled Delivery by States*Seyed Reza Ehsanpour¹, Ehsan Abbas Zadeh²**Mohammad Mahdi Hosseini³, Madihe Hashempour⁴**Seyed Mohammad Reza Ehsanpour⁵, Siamak Razaati Khosroshahi⁶***Abstract**

Controlled delivery is a new method to discover drug smugglers origin and destinations. Practicing this method can help to provide necessary evidences and to capture all drug belongs including: producers, distributors etc. Controlled delivery first appeared in article 11 of Genève convention in 1997 although some countries had made already bilateral agreements to practice this method among them. To perform this method there will be many juridical and legal obstacles. For example in the realm of law impossibility of attributing the crime to offenders, possibility of consulting to police staff and disregarding innocence presumption are very important issues. In addition, performing this method may accelerate bribery and money laundering grounds. In juridical context, although there are some main problems in this respect but some juridical principles like "No Harm", "Public Beneficiary" and "Doing Based on Public Traditions" support this method.

Keywords

Controlled Delivery, Drugs, Jurisdiction

1. Assistant Professor, Faculty of Humanities, Azad University of Sari, Sari, Iran. (Corresponding author) Email: Ehssanpour@gmail.com

2. Ph.D in Criminal law and Criminology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

3. Ph.D in Criminal law and Criminology, Imam Sadiq University, Tehran, Iran.

4. Ph.D Candidate in Jurisprudence and Islamic law, Faculty of Humanities, Azad University Central Tehran Branch, Tehran, Iran.

5. MA in Criminal law and Criminology, Faculty of law, Qom University, Qom, Iran.

6. MA in IT, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran.

Original Article Received: 23 February 2016 Accepted: 3 January 2017

Please cite this article as: Ehsanpour SR, Abbas Zadeh E, Hosseini MM, Hashempour M, Ehsanpour SMR, Rafaati Khosroshahi S. Legal and Juridical Study on Controlled Delivery by States. Iran J Med Law 2017; 11(41): 139-163.

بررسی فقهی و حقوقی ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر توسط دولت

سیدرضا احسان‌پور^۱

احسان عباس‌زاده^۲

محمد مهدی حسینی^۳

مدیحه هاشم‌پور^۴

سیدمحمد رضا احسان‌پور^۵

سیامک رفعتی خسروشاهی^۶

چکیده

ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر و یا همان حمل و تحویل تحت نظارت یکی از انواع جدید کشف محموله‌های قاچاق مواد مخدر است. با توسل به طریق مزبور تلاش می‌شود که مبتدی تولید، توزیع و مقاصد ترانزیت مواد مخدر کشف گردد. این شیوه روش مناسبی جهت تهیه ادله و مدارک اثبات جرم، شناخت و دستگیری دست‌اندرکاران و سران تولید و عوامل توزیع آن می‌باشد. روش ترانزیت تحت کنترل نخستین بار در ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۸ وین به طور رسمی به عنوان یکی از شگردهای نوین کشف ترانزیت مواد مخدر معرفی گردید، هرچند که پیش از این نیز برخی از کشورها با انعقاد معاهدات دو یا چندجانبه مبادرت به اجرای روش مزبور می‌نمودند. روش حمل و تحویل تحت نظارت، البته از منظر فقهی و حقوقی با چالش‌های متعددی رو به رو است. عدم انتساب جرم به متهمین، امکان صدق

۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، واحد ساری، دانشگاه آزاد اسلامی، ساری، ایران. (نویسنده مسؤل)
Email: Ehssanpour@Gmail.com

۲. دکترای حقوق کیفری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۳. دکترای حقوق کیفری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران، ایران.

۴. دانشجوی دکترای فقه و مبانی حقوق، واحد تهران مرکز، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۵. کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه قم، قم، ایران.

۶. کارشناس ارشد فناوری اطلاعات، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۴/۱۲/۴ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۱۰/۱۴

معاونت در جرائم مزبور و نقض اصل برائت از مهم‌ترین موانع تصویب و اجرای این روش در قوانین داخلی کشورها است. از سویی دیگر افزایش زمینه‌های ارتشا و تسهیل در امر پولشویی از پیامدهای جرم شناختی مبادرت به روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر محسوب می‌شود. از منظر فقهی نیز گرچه اجرای روش مزبور با اشکالاتی همراه است، اما با استناد به قواعدی نظیر لاضرر، مصلحت و عمل به عرف و عادت توجیه می‌گردد.

واژگان کلیدی

ترانزیت تحت کنترل، مواد مخدر، فقه

مقدمه

مفهوم ترانزیت تحت کنترل

روش حمل و تحویل مواد مخدر تحت نظارت که در دهه ۱۳۵۰ شمسی شمار اندکی از کشورها به منظور کشف جرم و دستگیری سران و رهبران باندهای قاچاق مواد مخدر و بر مبنای تفاهم‌نامه‌های دوجانبه همکاری در روابط با یکدیگر به کار می‌بستند، یکی از آخرین ابداعاتی است که رفته‌رفته در بین پلیس کشورهای غربی رواج یافت تا سرانجام با تصویب کنوانسیون ۱۹۸۸ وین شمار بیشتری از کشورها به اجرای آن تمایل نشان دادند. ماده ۱۱ این کنوانسیون به کشورهای عضو اختیار داده است که در چارچوب توافق میان کارگزاران دولت‌ها نظیر گمرکات، پست و به ویژه مأموران انتظامی، چنانچه امکان استفاده از این روش را فراهم می‌بینند، در این جهت با یکدیگر همکاری کنند. در این روش مأموران ویژه مبارزه با مواد مخدر که در مبادی ورودی کشورها نظیر نقاط مرزی، بندرها، فرودگاه‌ها و یا دفاتر پست یا گمرک مستقر هستند، پس از آگاهی از وجود محموله‌های مواد مخدر، روانگردان یا پیش‌سازها (مواد شیمیایی اولیه) با اطلاع و تحت نظارت مقام صلاحیتدار قضایی، در حالی که امکان کشف و توقیف محموله و دستگیری حاملان آن را دارند، اجازه می‌دهند که محموله مذکور وارد کشور و یا از آن خارج شود. از این زمان مأموران با انتقال اطلاعات خود به مأموران کشورهای مسیر و مقصد و جلب همکاری آنان محموله مواد مخدر را تا مناطق تحویل رهگیری و به منظور شناسایی سایر افراد شبکه قاچاق اعم از دلالان و خریداران، حاملان محموله را تعقیب می‌نمایند. علاوه بر شناسایی همه کسانی که در شبکه‌های درون و برون‌مرزی کشور به وجهی دست‌اندرکار قاچاق مواد مخدر هستند مأموران با توسل به این روش سعی می‌کنند نقاط بارگیری و باراندازی و شگردهای گوناگون قاچاقچیان را در تهیه، حمل و اختفای مواد مخدر کشف کنند (۱).

دولت جمهوری اسلامی ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی این سرزمین که در مسیر عبور کاروان‌های حامل مواد مخدر قرار دارد و به این اعتبار که کنوانسیون ۱۹۸۸ را تصویب کرده و همچنین بر اساس تفاهم‌نامه‌هایی که در این یک دهه با کشورهای متعدد امضا نموده است در سال‌های اخیر با ابراز تمایل به اجرای این روش به تلاش‌های سودمندی دست زده است.

ابعاد فقهی ترانزیت تحت کنترل

حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر از جمله مباحث نوینی است که چند دهه بیشتر از طرح آن نمی‌گذرد و هنوز خیلی از جنبه‌های حقوقی آن هم با ابهام رو به رو است. بنابراین جستجوی این مبحث در آثار فقها و عبارات فقهی حتی فقهای معاصر جستجوی بی‌حاصلی است، اما از آنجایی که فقه و خصوصاً فقه امامیه یک سیستم پویا برای پاسخ‌گویی به تمامی نیازهای بشر است و با اتکا به اصول و قواعد خود هیچ مسأله مستحدثه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذارد، می‌توان مبانی حمل و تحویل تحت نظارت را با اصول و قواعد فقهی سنجید. بنابراین در کنار تمام فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی برای مبارزه با مواد مخدر و قاچاق آن، یکی از گام‌های مؤثر، پژوهش در زمینه حکم فقهی و تبیین تکلیف شرعی راه‌های مبارزه با مواد مخدر از جمله روش حمل و تحویل تحت نظارت است.

۱- ادله مؤید

۱-۱- **قاعده لاضرر:** حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر به عنوان روشی برای جلوگیری از زیان‌های ناشی از توزیع مواد مخدر در بین مردم، در راستای قاعده لاضرر است. در مقام قانونگذاری مبتنی بر احکام شرعی طبق قاعده لاضرر باید مسیر قوانین را در جهت از بین بردن اضرار به مردم قرار داد، پس هر قانونی که در مسیر نفی ضرر از مردم و مبتنی بر قاعده لاضرر باشد، از لحاظ ادله فقهی معتبر است و به طور خاص در اینجا هر گونه تقنین در راستای جلوگیری از ورود مواد مخدر به کشور اسلامی و گسترش آن با هر روشی از جمله حمل و تحویل تحت نظارت، شرعاً معتبر و لازم‌الاجرا است.

۱-۲- **قاعده تزامم حقوق:** استناد به این قاعده از این رو است که در عملیات حمل و تحویل تحت نظارت بین دو دسته از حقوق تزامم ایجاد می‌شود. یکی حق جامعه برای تعقیب و پیگیری مجرمین به محض کشف جرم و دیگری حق مردم برای داشتن جامعه‌ای ایمن و به دور از آسیب‌ها. در نتیجه از یک طرف بایستی به محض کشف مواد مخدر، حاملین و دست‌اندرکاران مورد تعقیب قرار گرفته و به محاکم قضایی تحویل داده شوند و از سوی دیگر لزوم شناسایی عوامل اصلی قاچاق مواد مخدر و مهره‌های کلیدی توزیع و پخش مواد مخدر ایجاد می‌کند تا از تعقیب قضایی مجرمین خرده‌پا به طور موقت چشم‌پوشی گردد تا بتوان با استفاده از آن‌ها به سرشاخه‌های اصلی دست پیدا نمود. به طور کلی تقدیم و تأخیر حقوق بر اساس دو قاعده

«الاهم فالاهم» و «دفع افسد به فاسد» صورت می‌گیرد (۲)، در نتیجه در حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر با توجه به این که شناسایی عوامل اصلی و مهره‌های کلیدی توزیع مواد مخدر مهم‌تر از دستگیری چند قاچاقچی جزء می‌باشد، از حق جامعه مبنی بر تعقیب مجرمین چشم‌پوشی می‌شود. به بیان دیگر نیز از آنجایی که مفسده قاچاقچیان اصلی و مهره‌های کلیدی پخش و توزیع مواد مخدر بسیار بیش از فساد چند نفر نیروی خرد است، بنا به قاعده «دفع افسد به فاسد» به وسیله چشم‌پوشی موقت از تعقیب قضایی نیروهای جزء، مفسده باندهای بزرگ توزیع مواد مخدر دفع می‌گردد، البته لازم به ذکر است که این حقوق در بازه‌ای از زمان متزاحم می‌گردند و ما هم در برهه زمانی مشخص این قاعده را اجرا می‌کنیم. بنابراین پس از شناسایی باند قاچاق و نیروهای اصلی مانعی برای تعقیب و مجازات قاچاقچیان جزء و خرده‌پا وجود ندارد، بلکه وظیفه حکومت است تا با این مجرمین نیز برخورد نموده و آن‌ها را مورد مجازات قرار دهد، هرچند که جرم آن‌ها بسیار کم‌تر از جرم رؤسای باندهای قاچاق باشد.

۳-۱- قاعده مصلحت: از آنجا که قاچاق مواد مخدر و پخش و توزیع این مواد در کشور

اسلامی موجب ایجاد فساد و انحراف در ابعاد مختلف جامعه اسلامی می‌گردد، در بعد اجتماعی جامعه را به سوی تباهی می‌کشاند، بنیان‌های اجتماعی همچون خانواده را نابود می‌سازد، در بعد اقتصادی به اختلال در نظام اقتصادی به دلیل ورود پول‌های هنگفت بی‌پشتوانه به گردش مالی جامعه می‌انجامد و جرائم دیگری همچون تطهیر پول را به دنبال می‌آورد و در بعد فرهنگی نیز باعث انهدام بنیان‌های اخلاقی و زیربنای فرهنگی جامعه می‌شود و در کل به اختلال در نظام اجتماعی جامعه منجر می‌گردد. بنابراین قاعده مصلحت ایجاب می‌کند که به منظور حفظ نظم اجتماعی با هر آنچه که موجب ایجاد اختلال در نظام اجتماعی می‌گردد، مبارزه شود، از جمله مواد مخدر که آسیب‌رسانی آن در نظم عمومی قطعی و یقینی است، پس باید از تمامی روش‌ها برای مبارزه با ورود مواد مخدر به کشور و پخش و توزیع آن استفاده نمود. مهم‌ترین مبارزه در این راه شناسایی باندهای بزرگ قاچاق و قاچاقچیان عمده مواد مخدر و انهدام و دستگیری آن‌ها است، زیرا که گستره تأثیر فعالیت‌های آن به هیچ وجه قابل مقایسه با دامنه اثرگذاری قاچاقچیان خرده‌پا نیست، در نتیجه قاعده مصلحت ایجاب می‌نماید به منظور جلوگیری از عوارض ناخواسته مذکور و مبارزه ریشه‌ای با این معضل، سرشاخه‌های اصلی پخش مواد مخدر شناسایی و دستگیر گردند. روش حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر به عنوان

روشی برای از بین بردن توزیع گسترده مواد مخدر در راستای حفظ نظم عمومی و جلوگیری از ایجاد اختلال در نظام اجتماعی و منطبق بر قاعده فقهی مصلحت است و چنانچه در مسیر اجرای این روش لازم شود تا از برخی احکام و قواعد همچون تعقیب فوری مجرمین و یا اعانه بر اثم چشم‌پوشی نمود، طبق قاعده مصلحت توجیه‌پذیر خواهد بود.

قواعد عرفی از عقلانیت اجتماعی سرچشمه می‌گیرد و عقلانیت اجتماعی نیز به نوبه خود متکی به مصلحت‌های اجتماعی است، به این ترتیب مصلحت‌های جدید، عقلانیت جدید و به دنبال آن قواعد عرفی تازه‌ای در جامعه پدید می‌آورد (۲). بنابراین مصلحت نه تنها یک عامل زیربنایی در تحول قوانین عرفی است، بلکه در تمامی زمینه‌های تحولات اجتماعی مؤثر است. در موضوع بحث ما نیز مصلحت ایجاب نموده است تا برای مبارزه مؤثرتر با گسترش و شیوع مواد مخدر در جامعه روش‌های جدیدی همچون روش حمل و تحویل کنترل شده مورد استفاده قرار گیرد که این خود نوعی مصلحت‌اندیشی اجتماعی است.

۴-۱- قاعده عمل به عرف و عادت: عرف به عملی گفته می‌شود که به طور مستمر و مکرر و بدون مانع و رادع در جامعه انجام می‌پذیرد و معیار اصلی در تشخیص موضوعات غیر شرعی است. قلمرو کاربردی قاعده عمل به عرف و عادت، قلمرو بسیار گسترده‌ای است که ما در اینجا تنها از آن، قواعد عرف بین‌المللی را مد نظر داریم. به طور کلی از دیدگاه اسلام عرف عبارت است از تکرار عمل معین در مدت زمان طولانی، ناشی از عادات و رسوم اجتماعی که به تدریج خصوصیت الزامی و حقوقی یابد. اسلام عرفی را پذیرا است که پسندیده باشد، منبعث از اراده باشد، معقول باشد، نص فقهی در مورد آن وجود نداشته باشد (ما لائنص فیه) و مخالف و مغایر با نصوص نباشد، زیرا با وجود نص نمی‌توان به عرف استناد جست (۳). در کنار این، عرف بین‌المللی عبارت است از رویه، طرز عمل یا رفتاری که هر کشور با سازمان بین‌المللی در مناسبات خود با کشور یا سازمان بین‌المللی دیگر دارد (۴). عرف از منابع حقوق بین‌الملل به شمار می‌رود و از طرف تدوین‌کنندگان حقوق بین‌الملل به عنوان یک قاعده مهم اصولی پذیرفته شده است. تردیدی نیست که عرف بین‌المللی همان سیره عقلا است که از دیدگاه نظام حقوقی اسلام پذیرفته شده و در مسائل بسیاری مستند حکم و فتوای حقوقدانان است (۵).

روش حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر از جمله شیوه‌هایی است که پیش از آنکه در قالب یک ابزار الزام‌آور برای کشورها در مبارزه هرچه مؤثرتر با مواد مخدر، جنبه‌ای بین‌المللی

پیدا کند، مورد تجربه برخی کشورها قرار گرفته بود. موج فزاینده قاچاق مواد مخدر، شماری از کشورها را بر آن داشت تا با انتخاب روش حمل و تحویل تحت نظارت، تفاهم‌نامه‌های همکاری دوجانبه‌ای میان خود به عنوان کشورهای مبدأ و ترانزیت به امضا برسانند (۱) و به این صورت یک عرف بین‌المللی در رابطه با این شیوه از مبارزه با مواد مخدر شکل گرفت و همین عرف بین‌المللی به تدریج مورد اشاره برخی اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌های بین‌المللی قرار گرفت که در نهایت در ماده ۱۱ «کنوانسیون مبارزه با قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روان‌گردان» به استفاده از روش حمل و تحویل کنترل‌شده تصریح گردید.

خلاصه آنکه روش حمل و تحویل تحت نظارت به عنوان یک عرف بین‌المللی که برگرفته از سیره عقلا برای مبارزه هرچه مؤثرتر با اختلال در نظام اجتماعی است، طبق قاعده فقهی عمل به عرف و عادت معتبر است و لزوم استفاده از چنین روش‌هایی برای حفظ مصالح عامه ضروری می‌باشد.

۵-۱- قاعده حرمت مقدمه حرام: قاعده حرمت شرعی مقدمه حرام در لسان فقها به کرات مورد استناد قرار گرفته است. مقدمه فعل حرام اگر سبب خود فعل حرام باشد، حرام است و اگر به عنوان شرط فعل حرام باشد تنها در صورتی که برای توسل به فعل حرام صورت پذیرد، حرام است (۶). فقها در مباحث مختلف فقهی و بیشتر در ابواب حدود، دیات و قصاص متعرض این قاعده شده‌اند.

همانگونه که اشاره شد، بنا بر فتاوی فقها استعمال مواد مخدر، حرام و در نتیجه مقدمات این فعل یعنی تهیه و خرید و فروش مواد مخدر هم حرام است، البته قاعده‌ای که در اینجا برای اثبات حرمت قاچاق مواد مخدر بیشتر مفید فایده بوده و از جهت استناد معتبرتر است، قاعده «حرمت معاونت بر اتیان مقدمه حرام» است که از قاعده «حرمت مقدمه حرام» تفریع می‌شود. این قاعده فرعی که مورد اتفاق فقها هم قرار گرفته است (۵)، بیان می‌دارد که هر گونه همکاری برای تهیه مقدمات و افعال مقدماتی فعل حرام، حرام است. بنابراین قاچاق مواد مخدر، داخل نمودن این مواد به داخل کشور، توزیع و پخش و خرید و فروش آن به عنوان مقدمه فعل حرام «مصرف مواد مخدر» همگی در حکم حرام است و بر مسؤولین حکومت اسلامی است که با هر گونه فعل حرام، مقدمه حرام و همکاری در فعل و مقدمه حرام خصوصاً در حوزه حقوق عمومی مبارزه نماید. بنابراین روش حمل و تحویل کنترل‌شده مواد مخدر راهکار مأمورین دولت اسلامی

برای مبارزه گسترده و جلوگیری از پخش و توزیع وسیع مواد مخدر در بین مردمی است که مترصد انجام فعل حرام مصرف مواد مخدر هستند.

۲- چالش فقهی

در کنار آن دسته از بیان‌ها و قواعد فقهی که می‌توانند برای اعتبار روش حمل و تحویل تحت نظارت مورد استفاده قرار گیرند، قواعدی نیز وجود دارد که در بادی امر به نظر می‌رسد در تعارض با این روش باشد و طبق آن قواعد، صحت این روش مورد تردید واقع گردد. وقوع این مسأله با توجه به گستردگی قواعد فقهی کاملاً روشن است. مهم‌ترین قاعده فقهی که می‌تواند صحت انجام این روش را مورد مناقشه قرار دهد، قاعده «حرمت اعانه بر اثم و عدوان» است. این قاعده از جمله قواعد فقهی مشهوری است که فقها در فروع مختلف به آن تمسک نموده و آن را بر مسائل فرعی تطبیق داده‌اند (۷). آیه شریفه: «و لاتعاونوا علی الایم و العدوان» (۸) نیز مؤید این قاعده و از ادله حجیت آن است، البته برای حرمت معاونت بر اثم روایات مستفیضه‌ای هم وجود دارد و حتی اجماع علما هم بر آن قرار گرفته و فقها بدون متعرض شدن به اصل ثبوت حرمت اعانه، در موارد بسیاری به آن استدلال کرده و تمسک جسته‌اند (۶). در میان فقهایی هم که به طور مستقیم این قاعده را مورد مذاقه و بررسی قرار داده‌اند، نظرات مختلفی وجود دارد که مجال بررسی تمامی نظرات، ادله و پاسخ‌های طرفین در این مقال نیست، اما در مجموع می‌توان نظریه‌ای را با توجه به تمام نظریات ابرازی ارائه نمود که در ادامه به آن اشاره می‌نماییم.

به طور کلی مفاد قاعده این است که مسؤولیت فعل حرام تنها متوجه فاعل آن نیست، بلکه ممکن است «غیر» را نیز شامل شود و کسی به دلیل کمک‌کردن به فاعل حرام در حرمت عمل با او شریک شود. این قاعده در حقیقت یکی از موارد مسؤولیت به دلیل عمل غیر را در قالب معاونت بیان می‌کند (۲). بنابراین می‌توان این ایراد را به روش حمل و تحویل تحت نظارت گرفت که این روش اجازه می‌دهد تا مأمورین با مجرمین و قاچاقچیان مواد مخدر همکاری کرده و با عدم تعقیب خود، بر ورود مواد مخدر به کشور به عنوان «اِثم» اعانه نمایند. به عبارت دیگر ورود مواد مخدر به عنوان یک «اِثم» و «حرام» با «معاونت» مأمورین و نیروهای انتظامی و امنیتی انجام می‌پذیرد.

بدون اشاره دوباره به تمامی مبانی فقهی و قاعده‌های مؤید این روش که در مباحث پیش مورد بررسی قرار گرفت، در پاسخ به این ایراد باید گفت که در این روش، ارکان مورد نظر قاعده برای تحقق معاونت، وجود ندارد. باید در تحقق معاونت و شرکت در اثم و عدوان سه عنصر را احراز نمود: مشارکت دوجانبه؛ قصد مشارکت و صدق عرفی مشارکت. مفهوم قاعده در صورت تحقق این سه عنصر معتبر خواهد بود (۵). اول شاید در روش حمل و تحویل کنترل‌شده مواد مخدر به ظاهر نوعی همکاری و مشارکت وجود داشته باشد، اما این مشارکت دوجانبه نیست، یعنی یک طرف که قاچاقچی باشد به هیچ وجه از همکاری مأمورین پلیس و چشم‌پوشی از مواد مخدر و تعقیب وی خبر ندارد؛ دوم قصد مأمورین نیروی انتظامی، شناسایی شاخه‌های اصلی توزیع و قاچاق مواد مخدر است و به هیچ وجه قصد مشارکت با قاچاقچیان را ندارند. علاوه بر فقدان قصد، تمام سعی مأمورین بر این است که نگذارند کم‌ترین مقدار از این مواد مخدر به دست مصرف‌کننده برسد؛ سوم شهود عرفی و داوری عرف به خصوص عرف بین‌المللی از این شیوه به هیچ وجه، مشارکت و همکاری را استنباط نمی‌کند، بلکه یک نوع حيله و روش برای مبارزه مؤثر با مواد مخدر را می‌فهمد. در نتیجه در روش حمل و تحویل تحت نظارت هیچ کدام از ارکان قاعده حرمت اعانه بر اثم وجود ندارد.

محدودیت‌ها و موانع ماهوی و شکلی در حوزه حقوق کیفری

۱- معاونت در جرائم مواد مخدر

با توجه به ماهیت تعزیری جرائم مواد مخدر، مانعی برای اعمال حکم معاونت برای مرتکبان نظارت کنترل‌شده وجود ندارد. از آنجایی که رفتارهای تشکیل‌دهنده جرم معاونت تسهیل ارتکاب جرم را شامل می‌شود، تردیدی وجود ندارد که مأموران کشف مواد مخدر، در صورت عدم توقیف محموله مواد مخدر، به دلیل تسهیل در ترانزیت آن، معاون در جرم محسوب شده و شایسته تحمل مجازات مندرج در قانون می‌باشند، هرچند که قطعاً چنین حکمی منافی مبانی عدالت و متعارض با اهداف اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت است، اما قانونگذار ایران در هیچ متن قانونی به مشروعیت رفتار ضابطان مبنی بر عدم توقیف و صدور مجوز ادامه مسیر محموله‌های غیر قانونی تصریح نکرده است. به عبارت دیگر اگر قانونگذار ایران، مشروعیت روش حمل و تحویل تحت نظارت را پذیرفته بود، می‌بایست به طور صریح اقدام‌های مأموران را از

دایره مقررات کیفری خارج می‌نمود. قانونگذار، ساخت، تولید، ارسال، نگهداری، ورود، صدور و مصرف مواد مخدر را تنها در امور پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی به شرط کسب مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تجویز نموده و تکلیفی نسبت به رفع کیفر از مجریان روش حمل و تحویل تحت نظارت بر عهده نگرفته است. به دیگر سخن ممکن است این اشکال مطرح شود که عدم بازرسی و توقیف محموله‌های مواد مخدر و مساعدت در ترانزیت آن، نوعی معاونت از نوع تسهیل ترانزیت مواد مخدر به شمار آمده و مأموران قانونی حسب قواعد کلی مربوط به معاونت قابل پیگرد و تعقیب خواهند بود.

در پاسخ به این سخن باید گفت که اولاً تعداد موافقت‌نامه‌های دوجانبه ایران در خصوص اجرای این روش و دقت نظر در مفاد این اسناد، صحت این نظر را با تردید جدی رو به رو می‌سازد. توضیح این‌که دولت ایران در اسناد دوجانبه خود با کشورهای اتریش، قزاقستان، اوکراین، بلغارستان، تونس و بلاروس، روش «تحویل کنترل‌شده» را به رسمیت شناخته و اجرای آن را به صورت موردی و مشروط به توافق طرفین بلااشکال تلقی نموده است. به عنوان مثال ماده ۱۰ قانون «موافقت‌نامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ایتالیا در مورد کمک متقابل اداری برای جلوگیری، تحقیق و مبارزه با تخلفات گمرکی» مصوب ۱۳۸۵/۱/۱۶ بدین شکل تنظیم شده است:

- ۱- طرف‌های متعاقد در چارچوب امکانات خود، اقدامات لازم را جهت تجویز استفاده مقتضی از روش تحویل کنترل‌شده، به منظور تحقق اهداف این موافقت‌نامه اتخاذ خواهند نمود؛
 - ۲- تصمیمات راجع به اعمال تحویل کنترل‌شده، مورد به مورد و طبق قوانین و رویه‌های ملی طرف متعاقد درخواست‌شونده اتخاذ خواهد شد و مطابق با هر گونه ترتیبات یا توافقی که در موارد خاص ممکن است حاصل شود، صورت خواهد گرفت؛
 - ۳- محموله‌های غیر قانونی که تحویل کنترل‌شده آن‌ها مورد توافق قرار گرفته، ممکن است با رضایت متقابل مقامات گمرکی، توقیف شده و اجازه داده شود که به طور دست‌نخورده به مسیر خود ادامه داده یا برداشته شوند یا به طور جزئی یا کلی جایگزین گردند.»
- بنابراین باید گفت که به رغم عدم انتساب مشروعیت اعمال مأموران حمل و تحویل کنترل‌شده به حکم قانون به طور مستقیم، مباح بودن این اعمال مستقیماً ناشی از حکم قانون می‌باشد، زیرا طبق قانون موافقت‌نامه‌های میان ایران و سایر کشورها در حکم قانون محسوب می‌گردد.

دلیل دیگر بر رد این شبهه عدم وجود وحدت قصد میان مأمورین و قاچاقچیان است که توضیح آن ذیل شرط چهارم از شروط تحقق معاونت بیان شد.

۲- عدم انتساب جرم به مرتکبین

اصولاً اجرای برخی روش‌های حمل و تحویل تحت نظارت منافات با تحقق جرم و امکان تعقیب مجرمین دارد. در میان روش‌های گوناگون «حمل و تحویل تحت نظارت» روش «حمل و تحویل پاک» با اصل پیش گفته در تنافی است. به عبارت دیگر در روش «حمل و تحویل تحت نظارت پاک» به سبب جایگزینی محموله با مواد بی‌ضرر، محملی برای وقوع جرم و انتساب عمل مجرمانه به عوامل دخیل در ترانزیت این مواد وجود ندارد. بنابراین جایگزینی تمام مواد مخدر منافاتی با هدف اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت مبنی بر شناسایی عوامل قاچاق مواد مخدر و مبارزه کیفری مؤثر با آن‌ها است.

۳- نقض اصل برائت

یکی از دستاوردهای عظیم و مشترک حقوقی ملل متمدن، به رسمیت‌شناختن اصل برائت است. از مجموع اصول و قواعد حقوق پیدا است که با آنکه به مقتضای اصول و مبانی مربوط به حجیت ظن و امارات در تعارض میان اصل و ظاهر، بنا بر وجهی گاه ظاهر بر اصل مقدم می‌شود، اما به استناد ظاهر حال نمی‌توان از مقتضای فرض برائت دست برداشت. تجویز این‌که به استناد ظاهر حال، بتوان فرض برائت را نادیده انگاشت، معنای هدم کامل فرض برائت است، زیرا در بسیاری از موارد که کسی به ارتکاب جرم متهم می‌شود، ممکن است ظاهر حال مبنی بر توجه اتهام وجود داشته باشد، اما این ظاهر حال نه تنها حجت و معتبر نیست، بلکه مجموعه‌ای از اصول و نصوص بر بی‌اعتباری آن دلالت می‌کند (۹). بنابراین عدول از اصل برائت نیازمند تحصیل اماره قانونی یا قضایی است که موجب ظن قوی بوده و سبب اطمینان گردد. حال با بیان این مقدمه، گفته می‌شود که: بند ج ماده ۱ کنوانسیون «مبارزه با قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و داروهای روانگردان» مصوب سازمان ملل متحد به سال ۱۹۸۸ حمل و تحویل تحت نظارت را این‌گونه تعریف نموده است: «روش تجویز عبور محموله‌های قاچاق و یا مشکوک مواد مخدر و داروهای روانگردان...، از مجاورت و یا داخل سرزمین یک یا چند کشور با اطلاع و تحت نظارت مقامات صالحه آن به منظور شناسایی دست‌اندارکاران ارتکاب جرائم مقرر حسب بند ۱ ماده ۳ کنوانسیون». دولت ایران نیز در موافقت‌نامه‌های همکاری که با سایر دول منعقد نموده

است به تعاریفی مشابه تعریف کنوانسیون ۱۹۸۸ متوسل شده است. برای مثال در بند ۱۱ ماده ۱ قانون «موافقتنامه در مورد همکاری و کمک متقابل اداری در موضوعات گمرکی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری بلاروس» مصوب ۱۳۸۶/۲/۵ در تعریف تحویل کنترل شده چنین آمده است: «اصطلاح «تحویل کنترل شده» به روش تجویز واردات، صادرات یا عبور (ترانزیت) در ارتباط با داد و ستد غیر قانونی یا مظنون به حمل مواد مخدر، مواد روانگردان، پیش ماده‌ها، مواد جایگزین آن‌ها و همچنین سایر کالاها یا اشیای ارسالی غیر قانونی با آگاهی و رضایت و تحت کنترل مقامات ذیصلاح طرف‌های متعاقد به منظور تعقیب داد و ستد غیر قانونی آن‌ها شناسایی و دستگیری افرادی که مرتکب این عمل شده‌اند یا در ارتکاب چنین داد و ستدهای غیر قانونی دست داشته‌اند، اطلاق می‌شود.» مأموران پلیس پس از کشف محموله‌های غیر قانونی یا تعیین موارد مشکوک، به منظور شناسایی عوامل دست‌اندرکار قاچاق یا خرید و فروش آن، موظف‌اند اقداماتی را انجام دهند که اصطلاحاً نظارت، تعقیب و مراقبت نامیده می‌شوند. این مرحله از کار یکی از مراحل بسیار حساس و پیچیده است که بدون طراحی و برنامه‌ریزی و به کارگیری امکانات و تجهیزات و انجام هماهنگی‌های بسیار، نتایج موفقیت‌آمیزی نخواهد داشت (۱). با توجه به روش‌های تعقیب و علم و ظن مأموران به ماهیت محموله، چهار فرض قابل تصور است: تعقیب آشکار محموله‌های غیر قانونی، تعقیب پنهان محموله‌های غیر قانونی، تعقیب آشکار محموله‌های مظنون و تعقیب پنهان محموله‌های مظنون. واضح و مبرهن است که دو مورد نخستین تعارضی با اصل برائت ندارند، زیرا نوع مواد مشخص بوده و انتساب جرم به مرتکبین نیز با مانعی رو به رو نیست. از این روی تعقیب چنین محموله‌هایی جهت شناسایی عوامل دخیل نه تنها با مشکلی روبرو نبوده، بلکه اقتضای تأمین امنیت جامعه و لازمه مبارزه با جرائم است. مورد سوم نیز با توجه به توسل به وسایل مرسوم و علم سوژه به اجرای عملیات تعقیب و مبارزه نافعی اصل برائت نیست، اما مورد چهارم که از طریق شنود مکالمات تلفنی یا نصب دوربین‌های مخفی، به نوعی تجاوز به حریم خصوصی افراد تلقی می‌گردد، آشکارا ناقض جریان اصل برائت نسبت به متهم است، زیرا مستفاد از مفاد اصل برائت، لزوم تفسیر شک به نفع متهم و ممنوعیت تجسس در امور او برای کسب دلیل است. اصل بیست و پنجم قانون اساسی ایران صراحتاً به لزوم حفظ حریم خصوصی افراد اشاره نموده است. مطابق این اصل: «بازرسی و نرساندن نامه‌ها، ضبط و فاش کردن مکالمات تلفنی، افشای

مخابرات تلگرافی و تلکس، سانسور، عدم مخابره و نرساندن آن‌ها، استراق سمع و هر گونه تجسس ممنوع است، مگر به حکم قانون». البته به نظر می‌رسد که به دلیل وجود اصل براءت در زمره اصول بنیادین حقوق کیفری و ممنوعیت تعارض مقررات با این اصول، قانونگذاران در این زمینه از بسط ید برخوردار نبوده و ملزم به رعایت تبعات پذیرش اصل براءت‌اند (تحصیل دلیل عرضی). با وجود این، نظام‌های حقوقی اغلب به چنین تفسیری گردن نمی‌نهند و به بهانه حفظ نظم اجتماعی و امنیت پایدار، تعرض به حریم خصوصی افراد را جایز می‌شمارند. ماده ۱ کنوانسیون ۱۹۸۸ و حتی ماده یک قانون موافقت‌نامه در مورد همکاری و کمک متقابل اداری در موضوعات گمرکی بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت بلاروس مصوب ۱۳۸۶/۲/۵ و موارد مشابه تنها به تجویز عبور محموله‌های مشکوک اشاره نموده است و سخنی از مشروعیت نقض حریم خصوصی افراد دخیل در ترانزیت محموله‌های مشکوک به میان نیاروده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد که مأموران پلیس تنها موظف به موقعیت‌یابی و کنترل مسیر حرکت محموله‌ها می‌باشند نه این که لزوماً به شنود گفته‌ها یا تصویربرداری مخفی از عوامل ترانزیت مبادرت ورزند. با این وجود تأمین امنیت عمومی اقتضایی برخلاف این سخن دارد. به نظر می‌رسد که در موضوع بحث ما به منظور تأمین امنیت عمومی از یکسو و رعایت اصل براءت از سوی دیگر تفکیک دو فرض الزامی است:

نخست: مواردی که شک و گمان مستند به دلایل شخصی است؛

دوم: مواردی که شک و گمان مقرون به دلایلی است که مفید ظن عرفی است.

بدیهی است که در مورد اول، براءت جاری شده و اتهام را زائل می‌سازد. در این صورت وجهی برای تعقیب مظنون وجود ندارد، چراکه در مقام شک، براءت جریان یافته و صراحتاً به عدم انتساب جرم حکم نموده است. بنابراین نمی‌توان مظنون را به استناد شکی که با جریان اصل براءت بر بی‌اعتباری آن حکم شده است، مورد تعقیب قرار داد، اما گاهی شرایط به گونه‌ای است که افاده ظن، عرفی می‌باشد، به گونه‌ای که هر انسان متعارفی با قرارگرفتن در آن شرایط و اوضاع و احوال واجد ظن و گمان می‌گردد، مانند دو جداره‌شدن کف کانتینر به ارتفاع ۱۵ تا ۳۰ سانتی‌متر از قسمت زیر اتاق یا برآمدگی غیر عادی لاستیک زاپاس یا به کاررفتن میخ‌های نو در تخته‌های کف کانتینر یا اختلاف طول یا ارتفاع بیرونی اتاق با طول و ارتفاع داخلی. در چنین مواردی که عرفاً تولید ظن می‌گردد، تعقیب محموله با اشکالی مواجه نیست، به گونه‌ای

که بتوان حاملان و دریافت‌کنندگان آن را شناسایی کرد. به نظر می‌رسد که مناسب‌ترین وجه جمع الزامات اصل برائت و تعقیب موارد مشکوک، تفسیر سابق‌الذکر باشد، هرچند که این تفسیر با نقض حریم خصوصی از سوی ضابطان سازگار نیست، اما می‌تواند بستر مناسبی را برای اعمال قاعده «ارجحیت منافع عمومی نسبت به مصالح شخصی افراد» فراهم آورد.

پیامدهای جرم‌شناختی اجرای روش تحویل تحت نظارت

۱- افزایش زمینه‌های ارتشا

اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت نیازمند واگذاری اختیارات وسیع و گسترده به مأموران گمرکی و انتظامی در کشف، تشخیص و تعقیب محموله‌های غیر قانونی می‌باشد. بدیهی است اعطای اختیارات وسیع، احتمال سوء استفاده مأموران را بالا می‌برد، زیرا تشخیص موارد مشکوک و اعلام آن به مراجع قضایی بسته به نظر مقامات انتظامی و گمرکی است. بدین ترتیب مقامات انتظامی نقش مهمی در نقض آزادی‌های فردی یا نقض مصالح عمومی بر عهده دارند. با این توضیح که مقامات انتظامی به راحتی می‌توانند با دریافت رشوه، مجوز عبور محموله‌های قاچاق را صادر کنند. همچنین ممکن است در مواردی به علت عدم توفیق در دریافت رشوه، محموله‌ای را مشکوک قلمداد کرده و جواز تعقیب آن را از مراجع قضایی تقاضا نمایند. به همین دلیل برخی کشورها نظیر ونزوئلا این شگرد پلیسی نوآورانه را نپذیرفته‌اند، زیرا بر ارتکاب جرم از ناحیه مأمور پلیس، یعنی تحریک به ارتکاب جرم و تظاهر به ارتکاب یک عمل قابل مجازات، قاچاق مواد مخدر و فساد مأموران دولتی هنگامی که پاداش‌هایی را از نیروهای پلیس خارجی دریافت می‌کنند، دلالت دارد و نیز به این دلیل که این مأموران از برخی مواد مخدر توقیف‌شده برای چنین هدف‌هایی استفاده می‌کنند که در نتیجه، مسؤلیت خود را در مورد نگهداری مواد مخدر توقیف‌شده به شکل دست‌نخورده برای امحا نقض می‌کنند (۱).

البته تذکر این نکته خالی از فایده نیست که اشکال اول، یعنی فرض دریافت رشوه از سوی مأمور برای چشم‌پوشی از جرم قاچاق، مخصوص روش حمل و تحویل تحت نظارت نبوده، بلکه در مورد سایر جرائم نیز قابل فرض است، ولی روش حمل و تحویل تحت نظارت با توجه به طول مدت حمل و گستردگی عملیات، احتمال تبانی مأموران با سرکردگان سازمان‌های مجرمانه را افزایش می‌دهد. برای رفع این مشکلات می‌توان از سازمان‌های نظارتی بهره گرفت، به گونه‌ای

مسئولیت عملیات تعقیب به شکل انحصاری به نهادهای انتظامی واگذار نگردد. در غیر این صورت هیچ بعید نیست که محموله قاچاق در میانه راه تعقیب ناپدید شود یا مثلاً در اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت پاک، اهمال صورت گرفته و مقدار زیادی از مواد قاچاق از سیطره حکومت خارج گردد.

اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت و اختیار مقامات انتظامی در الصاق برچسب مشکوک بر محموله‌ها، ایشان را از چنان موقعیت ممتازی برخوردار می‌سازد که قادرند آزادی‌های فردی را تهدید نمایند، مانند این که مقام انتظامی صاحبان محموله‌ها را به کنترل مسیر محموله و هتک حریم خصوصی تهدید نموده و از این رهگذر مالی را از ایشان مطالبه نماید. عملی که در اغلب موارد تجار را به پرداخت رشوه و داشته و امنیت روابط تجاری و تولیدی را به خطر می‌اندازد. این مشکل نیز با تفسیر عبارت «محموله‌های مشکوک» به ظنون معتبر مقرون به دلایل مفید ظن عرفی، قابل حل به نظر می‌رسد، زیرا اختیار ضابطین را محدود ساخته و از عمل نمودن به محتوای شک‌های شخصی و مغرضانه ممانعت به عمل می‌آورد.

۲- تسهیل عملیات پول شویی

در سه دهه پیش، جاسازی مواد مخدر عمده دل‌مشغولی مأموران مبارزه با مواد مخدر را تشکیل می‌داد، اما امروزه علاوه بر جاسازی که مرحله آغازین پروسه قاچاق مواد مخدر را تشکیل می‌دهد، عملیات پایانی معاملات مواد مخدر نیز مورد توجه قرار گرفته است. طول مدت اجرای روش «تحویل کنترل‌شده» به ویژه در موارد حمل و تحویل تحت نظارت خارجی، موقعیت مناسبی را برای متصدیان امر قاچاق فراهم می‌آورد تا منبع وجوه حاصل از معاملات نامشروع را با استفاده از معاملات پی در پی، تغییر داده و در فرصت مناسب، این وجوه را از کشور خارج نمایند. به عبارت دیگر روش تحویل کنترل‌شده فرصت مناسبی را فراهم می‌سازد تا واسطه‌های داخلی، اموال ناشی از قاچاق مواد مخدر را تطهیر نموده و از محدوده دسترسی دولت‌ها خارج نمایند، زیرا عدم توقیف اموال یا حساب‌های مالی افراد دخیل در قاچاق لازمه اجرا و موفقیت روش «تحویل کنترل‌شده» می‌باشد و هر گونه اقدام نسنجیده و زود هنگام، ممکن است تمامی اقدامات به عمل آمده در زمینه حمل و تحویل تحت نظارت را عقیم و بی‌اثر سازد. به علاوه چنین اقداماتی، امنیت مواد مخدر کشف‌شده را نیز به خطر می‌اندازد، زیرا ممکن است قاچاقچیان ربودن محموله را پیش از حمل و تحویل آن به مقصد، طراحی کنند.

مطالعه تطبیقی

در این بخش به نحو اجمال و گذرا نگاهی به بازتاب ماده ۱۱ کنوانسیون ۱۹۸۸ در سایر کشورها خواهیم داشت و از این رهگذر به نحوه تعامل این کشورها با کنواسیون مذکور توجه خواهیم نمود. تبویب مباحث در این فصل به نحو ذیل خواهد بود:

۱- کشورهای آمریکایی

کانادا از جمله امضاکنندگان کنوانسیون‌های مبارزه با مواد مخدر است. برای حفظ و تقویت همکاری و کمک در جهت مبارزه با مواد مخدر هم‌چنانکه ماده ۳۵ کنوانسیون واحد مواد مخدر ۱۹۶۱ مقرر می‌کند، برخی از کشورها به منظور اهداف خاصی می‌توانند حمل و تحویل تحت نظارت را جایز بشمارند که کانادا از جمله این کشورها است. کانادا نیاز به همکاری بین‌المللی جهت ایجاد زمینه حمل و تحویل تحت نظارت مواد مخدر جهت کشف مبادی و مقاصد آن را ضروری تشخیص داده و بدان مبادرت می‌نماید (۱). در ونزوئلا ماده ۷۴ جدید از قانون اصلاح قسمتی از قانون راجع به مواد مخدر و روانگردان مصوب ۱۹۹۵ روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر را مورد ممنوعیت قرار داده است. علت ممنوعیت نیز امکان افزایش جرائم مربوط به رشاء و ارتشا توسط مأمورین بازرسی و نظارت مرزها و گمرکات می‌باشد (۱). در پرو ماده ۲۸ قانون کنترل مواد مخدر مصوب ۱۹۹۶ این کشور در فصل چهارم و ذیل عنوان «شگردهای ویژه تحقیقات پلیسی» روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر را پیش‌بینی نموده است. طبق این ماده به منظور جمع‌آوری ادله و مدارک لازم جهت طرح اتهام کیفری، دادستان می‌تواند اقدام به تجویز شیوه حمل و تحویل تحت نظارت به مأموران و ضابطان زبردست خود بپردازد. این مقام بر عملکرد مأموران زیر نظر خود نظارت خواهد داشت (۱). در برزیل ماده ۲ از فصل نخست قانون ۹۰۳۴ مصوب ۱۹۹۵ این کشور درباره پیشگیری و سرکوب فعالیت‌های مجرمانه سازمان‌یافته از تحت نظارت قراردادن به عنوان یکی از شگردهای اجرای تحقیقات نام برده است. طبق ماده مزبور «روش‌های زیر برای انجام تحقیقات و تهیه دلایل و مدارک جرم... اجازه داده خواهد شد...: بند ۲- عمل نظارت که مراد از آن به تأخیر انداختن اقدامات قضایی از طرف پلیس نسبت به رفتارهای یک سازمان مجرمانه به منظور اقدام قانونی علیه ایشان در فرصت مناسب می‌باشد.» در شیلی ماده ۲۹ از فصل نخست قانون مصوب ۱۲ ژانویه ۱۹۹۵ قانون مجازات قاچاق غیر قانونی مواد مخدر و روانگردان اجازه می‌دهد که محموله‌های غیر قانونی

مشکوک به مواد مخدر به منظور شناسایی اشخاص شرکت کننده در ارتکاب این جرم از قلمرو سرزمینی شیلی عبور نموده یا به آن وارد شود. با این وجود هرگاه قاضی تشخیص دهد که این اجازه ممکن است حفظ آثار و دلایل جرم را به مخاطره اندازد یا به مرتکبان در فرار از چنگال عدالت کمک نماید، وی اختیار دارد که دستور بازداشت شرکت کنندگان و ضبط این مواد را در هر زمان صادر کند.

۲- کشورهای اروپایی

در اتریش ضوابط مربوط به هر نوع شیوه تحقیق و کشف جرائم در قانون آیین دادرسی کیفری این کشور آمده، لیکن هیچ مطلبی پیرامون روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر در آن به چشم نمی خورد. به دیگر سخن، قوانین اتریش در خصوص این مسأله سکوت اختیار نموده است (۱۰). در مجارستان قانون پلیس مصوب ۱۹۹۴ این کشور طی ماده ۶۴ اجازه می دهد که پلیس تحت نظارت و هدایت دادستان و در شرایطی حتی بدون کسب اجازه از وی به امر تعقیب محموله های قاچاق مواد مخدر و ترانزیت آن بپردازد (۱۰). در هلند ماده ۱۲۶ قانون آیین دادرسی کیفری هلند، ضبط و مصادره کالاهایی که موجب آسیب به سلامت و بهداشت عمومی می شود را الزامی نموده است. طبق این ماده چنانچه مصلحت عمومی اقتضا نماید، بازپرس می تواند ضبط کالاهای مزبور را به تعویق بیندازد. در همین رابطه، ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر نیز موضوع رهنمودهای صادره توسط دادستانی قرار گرفته است (۱۰).

ماده ۱۶۰ قانون مصوب ۳۱ آگوست ۱۹۹۹ پرتغال به بحث تحویل و نظارت تحت کنترل مواد مخدر اختصاص یافته است. مسؤول صدور مجوز این امر نیز دادستان کل لیسبون می باشد. برای صدور مجوز فوق شروط ذیل الزاماً باید مورد رعایت قرار گیرد: اول آنکه مقامات صالح در کشور مقصد و کشورهای مسیر ترانزیت، امنیت و سلامت محموله های مزبور را تضمین نمایند به نحوی که عدم توقیف آنها در پرتغال موجب اخلال در نظام سلامت کشور را فراهم نیاورد؛ دوم آنکه مقامات صالح در کشور مقصد و سایر کشورهای واقع در مسیر ترانزیت تضمین نمایند که با مرتکبان جرائم مزبور برخورد قانونی به عمل آمده و قوانین این کشورها جهت مجازات مناسب متهمان از کارایی و ظرفیت لازم برخوردار می باشد؛ سوم آنکه مقامات صالح در کشور مقصد و یا کشورهای واقع در مسیر ترانزیت تضمین نمایند که پس از اتمام کار، جزئیات امر و

مشروح نتایج حاصل از اقدامات صورت گرفته به ویژه دخالت افراد تبعه پرتغال در این موضوع را به اطلاع دولت این کشور برسانند (۹).

ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر در کشور رومانی به استناد قانون مبارزه با جرائم سازمان یافته مصوب ۲۰۰۳ و همچنین قانون همکاری‌های بین‌المللی در خصوص موضوعات کیفری مصوب ۲۰۰۶ مورد رسمیت شناخته شده است. اداره دادستانی با همکاری دادگاه عالی این کشور می‌تواند بنا بر درخواست نهادها و یا اشخاص ذی‌صلاح اجازه انجام ترانزیت تحت کنترل را صادر نماید. صدور مجوز تنها در صورتی امکان پذیر است که مرجع متقاضی در درخواست خود به موارد ذیل اشاره نماید: نخست توجه ضرورت انجام این اقدام و تدابیر قابل اعمال در این خصوص؛ دوم، مشروح کالاها و موادی که قرار است تحت نظارت مقامات پلیسی مورد ترانزیت قرار گیرد؛ سوم، زمان و مکان انجام نظارت و مسیرهای پیش‌بینی شده برای این کار؛ چهارم، عدم اضرار به سلامت و امنیت کشور متعاقب اجرای این روش (۱۰).

به استناد ماده ۱۲۴ قانون اساسی اسپانیا و ماده ۲۶۳ قانون آیین دادرسی کیفری این کشور و نیز قانون سازمانی مصوب ۱۳ ژانویه ۱۹۹۹ که صلاحیه‌ای بر قانون جزای این کشور در خصوص شیوه‌های رسیدگی به جرائم است. همچنین به استناد ماده ۱۸ مقررات مربوط به دادستانی اسپانیا، دادستانی به همراه رؤسای مرکزی و محلی واحدهای سازمانی پلیس قضایی و افسران ارشد این مجموعه و قضات صلح واجد صلاحیت می‌توانند در صورت تضمین نظارت کامل بر ترانزیت کالا و مواد مخدر اجازه تحت نظارت قراردادن آن را صادر نمایند (۱۰).

در سوئد، در رابطه با ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر در خاک و یا از طریق خاک این کشور، قانون «اشکال خاص همکاری بین‌المللی در تحقیقات کیفری» مصوب ۲۰۰۳ میلادی به تصویب رسیده که ماده ۱۰-۱۴ آن بدین مهم اختصاص یافته است. درخواست تحت نظارت قراردادن محموله ترانزیت که توسط مأموران گمرک، گارد حفاظت ساحلی و یا مقامات پلیس صورت می‌گیرد، معمولاً توسط دادستان بررسی شده و غالباً همو است که اجازه خروج محموله از کشور را صادر می‌نماید. جهت صدور اجازه ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر، باید شرایط ذیل مورد لحاظ قرار گیرد: نخست آنکه دلیل کافی مبنی بر مظنون بودن به فرد مظنون وجود داشته باشد؛ دوم آنکه تدابیر لازم برای اجرای این روش فراهم بوده و ساز و کارهای موجود قابلیت انجام این هدف را داشته باشد؛ سوم آنکه محموله تحت نظارت باید به طور دائم و نه موقت مورد

کنترل قرار گیرد؛ چهارم آنکه هدف از تحت نظارت قرار دادن محموله ترانزیت، دستگیری متهم و تعقیب کیفری وی باشد (۱۰).

در پروژ قانون خاصی در خصوص ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر وجود ندارد. با این وجود وزیر دادگستری رهنمودی را در همین رابطه به مرزبانان این کشور به تاریخ ۱۳ فوریه ۱۹۸۹ صادر نموده است. طبق این رهنمود دادستان می‌تواند بنا بر درخواست پلیس و یا مأموران گمرک مجوز این امر را صادر نماید (۱۰).

۲- آسیا و اقیانوسیه

در ترکیه قانونگذار این کشور مقررات مفصلی را به بحث ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر اختصاص داده است. قانون پیشگیری از جرائم سازمان‌یافته این کشور مصوب ۱۹۹۹ حاوی مواد متعددی در زمینه روش حمل و تحویل تحت نظارت است. ماده ۴ این قانون در تعریف و هدف این روش چنین مقرر داشته است: «حمل و تحویل تحت نظارت بدین معنا است که محموله‌های مواد مخدر و روان گردان... با اطلاع و تحت نظارت مقامات صالحه قانونی در قلمرو ترکیه حمل و نقل شود یا پس از ورود به این قلمرو در آن‌ها توزیع و یا در ترکیه تهیه گردد و به خارج انتقال یابد... با این هدف که مرتکبین شناسایی و کلیه مدارک و دلایل کشف و جمع‌آوری شوند و کالاهای غیر قانونی مصادره گردد» (۱).

در نیوزیلند ماده ۱۲ از بخش دوم قانون اصلاحی «سوء مصرف مواد مخدر» مصوب ۱۹۷۸ این کشور ذیل عنوان «مقررات ویژه کشف، اجرا و محکومیت» به ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر اختصاص یافته است. به موجب بند ۱ از ماده ۱۲ مذکور، زمانی که مأموران صالح متصدی گمرک در حال انجام وظایف رسمی خود بر مبنای دلایل معقول معتقد باشند که در وسیله نقلیه مواد مخدر وجود دارد، می‌توانند به منظور تحقیق و بررسی موضوع اجازه ترک وسیله نقلیه را بدهند... (۱).

۴- کشورهای آسیای مرکزی

ماده ۲۹ قانون مواد مخدر قرقیزستان مصوب ۲۴ آوریل ۱۹۹۸ به ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر اختصاص یافته است. طبق این ماده «به منظور افشای مبدأ و مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر، مسؤولین تحقیق مربوطه می‌توانند از روش حمل و تحویل تحت نظارت استفاده نمایند. منظور از روش مزبور، اجازه ورود محموله قاچاق به جمهوری قرقیزستان و خروج آن از

این جمهوری و ترانزیت آن از این سرزمین تحت نظارت مقامات مزبور است، مشروط بر این که این امر مورد توافق مقامات همتای دول خارجی بوده و یا جمهوری قرقیزستان در این رابطه دارای موافقت‌نامه‌های مشترکی با سایر کشورها باشد» (۱).

ماده ۲۸ قانون مواد مخدر قزاقستان مصوب ۱۹۹۸ در سه بند به روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر اشاره نموده است. طبق بند نخست «به منظور افشای مبدأ و مسیر ترانزیت قاچاق مواد مخدر، مسؤولین تحقیق مربوطه می‌توانند از روش حمل و تحویل تحت نظارت استفاده نمایند. منظور از روش مزبور اجازه ورود محموله قاچاق به جمهوری قزاقستان و خروج آن از این جمهوری و ترانزیت آن از این سرزمین تحت نظارت مقامات مزبور است، مشروط بر این که این امر مورد توافق مقامات همتای دول خارجی بوده و یا جمهوری قزاقستان در این رابطه دارای موافقت‌نامه‌های مشترکی با سایر کشورها باشد.» چنانچه مشاهده می‌شود ساختار ماده مذکور مشابه ماده ۲۹ قانون قرقیزستان است (۱).

ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر در ماده ۱۴ قانون مواد مخدر تاجیکستان مصوب ۱۹۹۹ پیش‌بینی شده است. به موجب این ماده «با هدف پیشگیری از داد و ستد غیر قانونی بین‌المللی مواد مخدر و شناسایی و بازداشت اشخاص درگیر در این امر، در صورتی که با ساختارها و مبانی قانونی جمهوری تاجیکستان یا با توافقات بین‌المللی این کشور با دول خارجی مغایرتی وجود نداشته باشد، از حمل و تحویل تحت نظارت، یعنی اجازه ورود تحت نظارت محموله قاچاق به جمهوری تاجیکستان یا خروج آن از این جمهوری یا ترانزیت آن از این سرزمین استفاده می‌شود... روش مزبور ممکن است در محدوده مرزهای این کشور با آگاهی و تحت نظارت مراجع و مقامات صالح قانونی که صالح به انجام تحقیقات هستند، مورد استفاده قرار گیرد» (۱).

۵- کشورهای آفریقایی

قانون ۱۱ نوامبر ۱۹۹۷ سنگال در مواد ۱۲۷، ۱۲۸ و ۱۲۹ به موضوع ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر اختصاص یافته است. در این مواد منظور از ترانزیت تحت کنترل همان مفهومی است که در کنوانسیون ۱۹۸۸ به تصویب رسیده است. در ماده ۱۲۷ اجازه ترانزیت مواد مخدر به منظور شناسایی افراد دست‌اندرکار و تعقیب ایشان تحت نظارت مقام صالح داده شده، اما تحریک به خرید غیر قانونی مواد مزبور توسط مأمور برای کشف جرائم را ممنوع دانسته است. طبق ماده ۱۲۸ تصمیم در خصوص ترانزیت تحت کنترل تنها در صورت هماهنگی با تمامی

مقامات صالح دول ذیربط امکان‌پذیر می‌باشد و طبق ماده ۱۲۹ مسئولیت نظارت و تصمیم‌گیری در هر لحظه با دادستان خواهد بود (۱).

جمهوری توگو در ۱۹۹۸ قانونی را به تصویب رساند که شباهت بسیاری به قانون سنگال دارد. در این قانون مواد ۱۳۰، ۱۳۱ و ۱۳۲ به بحث ترانزیت تحت کنترل اختصاص یافته است که طبق آن به مأمورین اجازه داده می‌شود که برای شناسایی عاملان قاچاق و کشف جرم، بدین روش متوسل گردند. ماده ۱۳۰ عبور محموله‌های قاچاق مواد مخدر از خاک این کشور را با اطلاع مقامات صالح اجازه داده است. ماده ۱۳۱ مرجع صالح جهت صدور مجوز را دادستان محل ورود یا ترانزیت محموله دانسته و ماده ۱۳۲ نیز به مدیر دفتر مرکزی مبارزه با مواد مخدر اجازه داده است که هر زمان که مقتضی بداند به ضبط محموله قاچاق پرداخته یا اجازه نقل و انتقال آن را به همان شکل صادر نماید (۱).

نتیجه‌گیری

روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر از شیوه‌های نوین و جدید در رابطه با کشف مبادی، مجاری و مقاصد محموله‌های قاچاق مواد مخدر به شمار آمده و می‌تواند روش مناسبی جهت تهیه ادله و مدارک اثبات جرم، شناخت و دستگیری دست‌اندرکاران و سران تولید، عوامل توزیع و مصرف عمده آن باشد. روش مزبور در ماده ۱۱ کنوانسیون بین‌المللی ۱۹۹۸ وین مورد اشاره قرار گرفته و نخستین بار مبادرت به چنین امری توسط کشورهای امضاکننده کنوانسیون جایز دانسته شده است. متعاقب تجویز کنوانسیون مذکور بسیاری از کشورهای اروپایی، افریقایی، آسیایی - اقیانوسیه و آمریکایی به روش حمل و تحویل تحت نظارت توجه نشان داده و با تصویب مقررات خاصی در این خصوص و یا اصلاح پاره‌ای از مقررات مربوط به مبارزه با مواد مخدر به این شیوه جدید در کشف مواد مخدر جنبه قانونی بخشیده‌اند. با این وجود بسیاری از کشورها نظیر ایران هنوز در این وادی قدم ننهاده و تحرکی در خصوص تصویب قانونی مشابه از خود نشان نداده است.

از منظر فقهی اجرای روش حمل و تحویل تحت نظارت محموله‌های مواد مخدر هرچند با اشکالاتی رو به رو است، اما از سویی دیگر بسیاری از قواعد فقهی نظیر قاعده مصلحت از این روش حمایت می‌کند. از منظر حقوقی نیز اجرای این روش با اشکالاتی همراه است که عدم

انتساب جرم به متهمین، امکان صدق معاونت در جرائم مزبور و نقض اصل براءت از مهم‌ترین موانع تصویب و اجرای آن می‌باشد. افزایش زمینه‌های ارتشا و تسهیل در امر پولشویی نیز از پیامدهای جرم‌شناختی مبادرت به روش ترانزیت تحت کنترل مواد مخدر است.

References

1. Ardebili MA. Controlled delivery. 20th ed. Tehran: Mizan Press; 2004. p.28-36.
2. Amid Zanjani AA. Juridical Rules. Tehran: SAMT Press; 2007. Vol.1 p.254.
3. Ziaee Bigdeli MR. Islam and International Law. Tehran: Enteshar Press; 1996. p.125.
4. Ziaee Bigdeli MR. General International Law. 41th ed. Tehran: Ganje Danesh Press; 2012. p.78.
5. Ebrahimi M, Hosseini SAL. Islam and general international law. Tehran: Samt Press; 1993. p.27.
6. Naraghi MA. Mostanad al-Shia. Qom: Alol-Bait Press; 1994. p.142.
7. Bojnordi SH. Juridical Rules. 2nd ed. Qom: Modarresin Press; 2003. Vol.2 p.58
8. Holly QorAn. Maede: 2.
9. Nobahar R. Principle of Judicial Sentences. 1st ed. Tehran: Shahr Danesh Institute; 2000. p.41.
10. <http://www.emcdda.europa.eu/html> (12/06/2016).